۶ نشانه‌های پیرو ولایت علوی از نگاه حضرت زهرا(س)

در مطلب حاضر نویسنده به برخی تلاشهای حضرت زهرا(س) در دفاع از ولایت علی(ع) و نشانه‌های شیعه واقعی از نگاه آن حضرت اشاره کرده است.

***

مجید محمدپور

ولایت علی(ع) عامل یاس ابلیس و کافران

ابلیس از زمانی که تفاخر و خودبرتربینی کرد و از خلافت حضرت آدم(ع) سرباز زد، همواره بر آن بوده عدم شایستگی حضرت آدم(ع) و فرزندانش را برای این امانت و ماموریت الهی به اثبات برساند. از این رو با فریب حضرت آدم(ع) از راه وسوسه و سوگند دروغ و چشاندن میوه درخت ممنوع، حضرت آدم(ع) را از بهشتش بیرون راند و او را به شقاوت جسد مادی و دنیوی گرفتار کرد و از لطافت جسم بیرون آورد. (اعراف، آیه ۱۲ و ۲۰ و ۲۱؛ طه، آیات ۱۲۰ تا ۱۲۳؛ بقره، آیات ۳۵ تا ۳۷)

او همواره در کمین فرزندان آدم(ع) است و به دلیل این که دیده نمی‌شود (اعراف، آیه ۲۷) می‌تواند با نزدیک شدن و القای باطل و حرام، به قلب آدمی و تزیین و تدلیس و تشبیه باطل به حق (حجر، آیه ۳۹) آدمی را به شقاوت ابدی و دوزخ جلال و غضب الهی دچار کند.

اما هدایت درونی و بیرونی خداوند و الهامات تقوایی (شمس، آیات ۷ تا ۱۰) و هدایت‌های وحیانی (بقره، آیه ۳۸) مانع جدی بر سر راه مقاصد و اهداف شوم ابلیس و شیاطین پیرو اوست. از زمانی که هدایت الهی به واسطه وحی از طریق پیامبران(ع) صورت گرفت، ابلیس و شیاطین با مشکلاتی مواجه شدند و نتوانستند به مقصود خود برسند؛ زیرا در طول تاریخ انسان‌های بزرگی پدیدار شدند و در مقام ربانیون قرار گرفتند (آل‌عمران، آیه ۷۹) و ابلیس نتوانست بی‌لیاقتی و ناشایستگی مقام خلافت الهی را برای انسان به اثبات برساند.

البته او امیدوار بود که پس از پایان رسالت و هدایت وحیانی از طریق کتب و رسولان بتواند مردمان را گمراه کرده و آنان را به شقاوت ابدی دچار کند. اما زمانی که ولایت امیرمؤمنان علی(ع) و نصب ایشان از سوی خداوند به طور رسمی و علنی در روز غدیر خم ابلاغ شد و این‌گونه دین اسلام به اکمال و نعمت هدایت در قالب ولایت به اتمام رسید، ابلیس و کافران پیروش مایوس شدند (مائده، آیه ۳)؛ زیرا از این پس همان مسیر هدایت وحیانی به شکل دیگری انجام می‌گیرد و ارتباط خدا و انسان و آسمان و زمین قطع نشده و همواره فرشتگان بر اولیای معصوم الهی(ع) نزول می‌یابند (سوره قدر) و راهنمایان الهی در مقام ولایت، انسانها را سرپرستی و هدایت می‌کنند.

غدیر در تاریخ یک عید دانسته شده است؛ زیرا نقش کلیدی و اساسی در سرنوشت انسان‌ها پس از پایان نبوت و رسالت ایفا می‌کند و ولایت است که استمرار رسالت الهی و هدایت خداوندی است. از این رو فاطمه(س) به مسئله غدیر احتجاج می‌کند و می‌فرماید که اگر کسی پس از غدیر ولایت را نپذیرد عذر و بهانه‌ای در پیشگاه خداوند نخواهد داشت. آن حضرت(س) خطاب به مهاجرین و انصار کرد و فرمود: از من دور شوید و مرا به حال خود رها کنید، با آن همه بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری‌هایتان، عذری برای شما باقی نمانده است. آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی جای عذری باقی گذاشت؟ (خصال؛ ج ۱، ص ۱۷۳، احتجاج: ج ۱، ص ۱۴۶)

توطئه‌های شیطانی برای نابودی ولایت

ابلیس و شیاطین بیکار ننشستند و با آنکه مأیوس و نومید شدند ولی به این دل خوش داشتند که تا می‌توانند جلوی قدرت‌گیری اولیای الهی را گرفته و سد راه ایشان شوند و اجازه ندهند تا مردم از اولیای الهی(ع) برای حرکت در مسیر صراط مستقیم استفاده کنند. این گونه است که از همان زمان ابلاغ ولایت و نصب ولایت الهی امیرمؤمنان علی(ع) توطئه‌ها آغاز شد که نخستین اقدام در این امر همان توطئه ترور پیامبر(ص) است که توسط ۱۲ منافق با پی کردن شتر پیامبر(ص) در گردنه‌ای اتفاق می‌افتد که البته به مدد الهی این توطئه ناکام می‌ماند و پیامبر(ص) به سلامت می‌رهد. (مائده، آیه ۶۷؛ صحیح مسلم، کتاب صفات المنافقین و احکامهم، احادیث ۹ و ۱۰؛ دلائل النبوه، بیهقی، ج ۵، ص ۲۵۷ و ۲۵۸؛ اسدالغابه، ابن اثیر، شرح حال حذیفه، ج ۱، ص ۴۶۸؛ المحلی، ابن حزم اندلسی، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ج ۴، ص ۳۳۷، رقم ۹۳۶۲؛ و منابع دیگر حدیثی و تفسیری و تاریخی)

البته بعدها در هنگام رحلت پیامبر(ص) و درخواست قلم و دوات برای نگارش وصیت‌نامه و سپس در سقیفه بنی ساعده این روند ادامه پیدا می‌کند و غصب ولایت ظاهری اتفاق می‌افتد که با انکار و مخالفت حضرت امیرمومنان علی(ع)، فاطمه(س) و برخی از اصحاب از جمله سلمان محمدی، مقداد، ابوذر، عمار و برخی دیگر از اصحاب بویژه از بنی‌هاشم مواجه می‌شود.

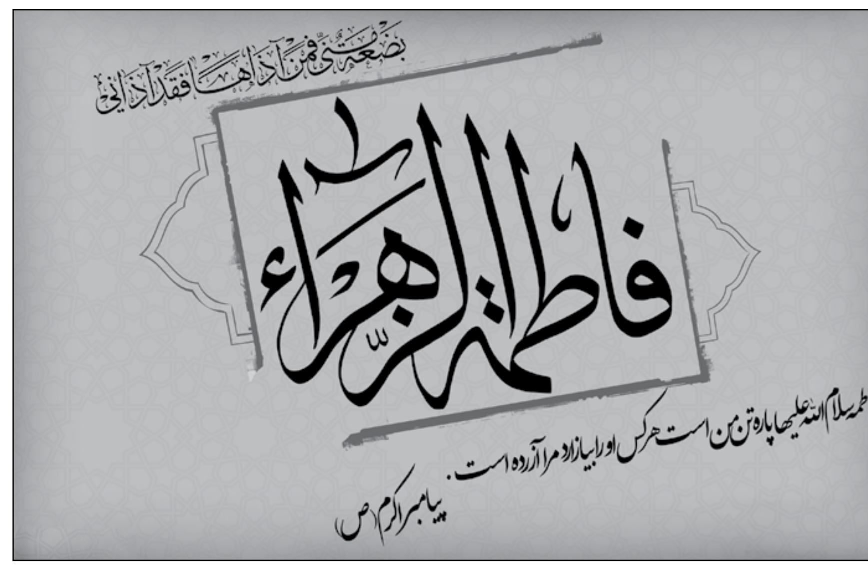

*** از دیدگاه حضرت فاطمه(س) هر کسی سعادت و خوشبختی را می‌جوید باید به ولایت علوی(ع) تمسک جسته و محبت علی(ع) را در دل و عمل داشته باشد و هرگز برخلاف خواست و فرمان علی(ع) نیندیشد و کاری نکند.**

جایگاه ولایت و اهل بیت(ع) از نگاه زهرا(س)

خداوند در آیاتی از قرآن به صراحت از ولایت امیرمؤمنان علی(ع) سخن گفته که از جمله آنها آیه ۵۵ سوره مائده است که ولایت بر امت را بر خدا و پیامبر(ص) و امیرمومنان علی(ع) اثبات می‌کند؛ زیرا آن حضرت(ع) تنها کسی است که در هنگام رکوع انگشتری خود را انفاق می‌کند و خداوند با توصیف آن حضرت به این وصف ولایتش را تثبیت می‌کند؛ چنانکه در منابع تفسیری، ذیل آیه از شیعه و سنی نقل شده است، اما با این همه

*** از نظر فاطمه(س) ولایت تنها به محبت نیست که برخی گمان کرده‌اند، بلکه شیعه واقعی کسی است که علاوه بر محبت قلبی در فکر و عمل نیز شیعه و پیرو باشد و اطاعت ورزد. آن حضرت(س) فرموده است: اگر آنچه را که ما- اهل بیت عصمت و طهارت- دستور داده‌ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده‌ایم خودداری نمایی، تو از شیعیان ما هستی وگرنه، خیر.**

عده‌ای در برابر آن ایستادند و ولایت ظاهری را غصب کرده و خلافت را از صاحب الهی آن گرفتند.

در اینجا بود که حضرت فاطمه(س) به حکم مسئولیت‌الهی و تکلیف و وظیفه شرعی به دفاع از ولایت برخاست. البته دفاع آن حضرت(س) مبتنی بر مسایل شخصی و تعصب قومی و قبیله‌ای یا برای دنیا و موقعیت‌های شخصی و خانوادگی نبود، بلکه برای نجات و خوشبختی خود مردم بود. از این‌رو با اشاره به تاثیر ولایت امیرمومنان علی(ع) و

***حضرت فاطمه(س) اطاعت از ولی امر و مولی(ع) را به خوبی به نمایش گذاشت و در مسجد و خانه‌های انصار و مهاجران رفت و به دفاع از ولایت پرداخت و جان فرزندی که باردار بود و خود را بر سر راه دفاع از ولایت گذاشت و به سبب جراحات وارده و زخم جسمی و روحی که از اصحاب دید، در نهایت به شهادت رسید. این گونه شد که نخستین شهید ولایت، همسر مولی امیرمومنان علی(ع) فرزند رسول‌الله(ص) شد.**

لزوم پیروی از عترت طاهر(ع) به آثار و برکات آن در سعادت مردم و جامعه بشری اشاره کرده و می‌فرماید: به خدا سوگند، اگر حق- یعنی خلافت و امامت- را به اهلش سپرده بودند؛ و از عترت و اهل بیت پیامبر پیروی کرده بودند، حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا- و دین- اختلاف نمی‌کردند و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می‌گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد می‌شد که او نهمین فرزند از حسین(ع) می‌باشد. (الامامة و التبصرة: ص ۱، بحارالانوار: ج ۳۶، ص ۳۵۲، ح ۲۲۴)

آن حضرت(س) بر همین اساس همواره به تبیین جایگاه حقیقی اهل‌بیت عصمت و طهارت چنانکه قرآن در آیاتی از جمله ۳۳ سوره احزاب اشاره کرده توجه داده و با توجه به این جایگاه والای اهل بیت خواهان تبعیت مردم از آنان می‌شود چنانکه فرمود: ما اهل بیت رسول خدا(س) وسیله ارتباط خدا با مخلوقاتیم، ما برگزیدگان خداییم و جایگاه نیکی‌ها، ما دلیل‌های روشن خداییم و وارث پیامبران الهی. (شرح نهج‌البلاغه، ج۱۶، ص ۲۱۱)

حضرت فاطمه زهرا(س) در تعریف امام علی(ع) فرمود: او پیشوایی الهی و ربانی است، تجسم نور و روشنایی است، مرکز توجه تمامی موجودات و عارفان است، فرزندی پاک از خانواده پاکان می‌باشد، گوینده‌ای حقگو و هدایتگر است، او مرکز و محور امامت و رهبریت است. (ریاحین الشریعه: ج۱، ص ۹۳)

این جایگاه بلند است که امیرمومنان علی(ع) را شایسته ولایت و خلافت بر مردم ساخته است، نه نسبت خویشی و خانوادگی و قدرت و ثروت یا امور دیگری که در میان مردم به عنوان ملاک برتری و بزرگی مطرح است. مقام آن حضرت(ع) مقام پدری بر امت است چنانکه حضرت فاطمه(س) در این‌باره می‌فرماید: حضرت محمد(ص) و علی(ع) پدران این امت هستند، چنانچه از آن دو پیروی کنند آنها را از انحرافات دنیوی و عذاب همیشگی آخرت نجات می‌دهند و از نعمت‌های متنوع و وافر بهشتی بهره‌مندشان می‌سازند. (تفسیر الامام العسکری: ص ۳۳۰، ح ۱۹۱؛ بحارالانوار: ج ۲۳، ص ۲۵۹، ح ۸)

پس علت اینکه حضرت فاطمه(س) بر ولایت اهل بیت(ع) تاکید دارد از باب یک نگاه خونی و نژادی و خانوادگی نیست، بلکه به سبب جایگاه ایشان و تاثیر این افراد در سعادت مردم است. ایشان ثمره اطاعت و امامت اهل بیت(ع) را اموری چون اتحاد امت و نظم اجتماعی جامعه اسلامی دانسته و می‌فرماید: خدا اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است. (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸)

آن حضرت(ع) در جایی دیگر سعادت ابدی بشر را در گرو ولایت امیرمومنان علی(ع) و پذیرش آن دانسته و می‌فرماید: سعادتمند (به معنای) کامل و حقیقی کسی است که امام علی(ع) را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد. (شرح نهج‌البلاغه ج۲، ص ۴۴۹ مجمع‌الزوائد: ج۹، ص ۱۳۲)

از نظر حضرت فاطمه(س) هر کسی سعادت و خوشبختی را می‌جوید باید به ولایت علوی(ع) تمسک جسته و محبت علی(ع) را در دل و عمل داشته باشد و هرگز برخلاف خواست و فرمان علی(ع) نیندیشد و کاری نکند.

نشانه‌های شیعه واقعی

از نظر فاطمه(س) ولایت تنها به محبت نیست که برخی گمان کرده‌اند، بلکه شیعه واقعی کسی است که علاوه بر محبت قلبی در فکر و عمل نیز شیعه و پیرو باشد و اطاعت ورزد.

آن حضرت(س) فرموده است: اگر آنچه را که ما- اهل بیت عصمت و طهارت- دستور داده‌ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده‌ایم خودداری نمایی، تو از شیعیان ما هستی وگرنه، خیر. (تفسیر الامام العسکری: ص ۳۲۰، ح ۱۹۱)

اگر شیعه، مطیع اهل بیت(ع) و ولایت باشد بهترین جایگاه را در آخرت کسب خواهد کرد؛ زیرا بهترین‌ها در بهشت، اهل بیت(ع) و شیعیان ایشان هستند. آن حضرت(س) در این‌باره می‌فرماید: شیعیان و پیروان ما و همچنین دوستداران اولیا ما و آنان که دشمن دشمنان ما باشند و آنهایی که با قلب و زبان، تسلیم ما هستند بهترین افراد بهشتیان خواهند بود. (بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۱۵۵، س ۲۰، ضمن ح ۱۱)

روایت است که مردی به همسرش گفت: برو خدمت حضرت فاطمه زهرا(س) و از او بپرس آیا من از شیعیان شما هستم یا نه؟

آن حضرت خدمت حضرت زهرا(س) رسید و مطلب را پرسید. حضرت فرمود:

- به همسرت بگو اگر آنچه را که دستور داده‌ایم بجا می‌آوری و از آنچه که نهی کرده‌ایم دوری می‌جویی از شیعیان ما هستی وگرنه شیعه ما نیستی.

زن به منزل برگشت و فرمایش حضرت زهرا(س) را برای همسرش نقل کرد. مرد با شنیدن جواب حضرت سخت ناراحت شد و فریاد کشید:

- وای بر من! چگونه ممکن است انسان به گناه و خطا آلوده نباشد؟

بنابراین من همیشه در آتش جهنم خواهم سوخت، زیرا هر کس از شیعیان ایشان نباشد همیشه در جهنم خواهد بود.

زن بار دیگر محضر فاطمه(س) رسید و ناراحتی و سخنان همسرش را نزد آن حضرت بازگو کرد.

حضرت زهرا(س) فرمود: به همسرت بگو؛ آن طور که فکر می‌کنی نیست. چه اینکه شیعیان ما بهترین‌های اهل بهشتند ولی هر کس ما را و دوستان ما را دوست بدارد، دشمن دشمنان ما باشد و نیز دل و زبان او تسلیم ما شود، ولی در عمل با اوامر و نواهی ما مخالفت کرده، مرتکب گناه شود، گرچه از شیعیان واقعی ما نیست اما در عین حال او نیز در بهشت خواهد بود، منتهی پس از پاک شدن از گناه.

به این طریق است که به گرفتاری‌های (دنیوی) و یا به شکنجه مشکلات صحنه قیامت و یا سرانجام در طبقه اول دوزخ کیفر دیده، پس از پاک شدن از آلودگی‌های گناه به خاطر ما از جهنم نجات یافته، در بهشت و در جوار رحمت ما منزل می‌گیرد. (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۵)

حضرت فاطمه(س) اطاعت از ولی امر و مولی(ع) را به خوبی به نمایش گذاشت و در مسجد و خانه‌های انصار و مهاجران رفت و به دفاع از ولایت پرداخت و جان فرزندی که باردار بود و خود را بر سر راه دفاع از ولایت گذاشت و به سبب جراحات وارده و زخم جسمی و روحی که از اصحاب دید، در نهایت به شهادت رسید. این گونه شد که نخستین شهید ولایت، همسر مولی امیرمومنان علی(ع) فرزند رسول‌الله(ص) شد.

مویه‌های امیر مومنان(ع) در فراق حضرت زهراء(س)

آیت‌الله جوادی آملی

بیان نورانی حضرت امیر(ع) در هنگام دفن پیکر مطهر حضرت زهرا(س) در نهج‌البلاغه در خطبه ۲۰۲ آمده که وقتی خواست دفن بکند رو کرد به قبر مطهر پیغمبر(ص) سلام عرض کرد، این سلام، هم از طرف خودش است، هم سلام از طرف صدیقه کبری، عرض کرد: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ‌اللهِ عَنِّی وَ عَنِ ابْنَتِکَ النَّازِلَةِ فِی جِوَارِکَ» عرض کرد یا رسول‌الله! سلام از طرف من و از طرف دختر شما که الآن به جوار شما آمده. این را بزرگان گفتند که سلام خود حضرت مثل این است که ما وقتی به مزار معصوم رسیدیم سلام عرض می‌کنیم. اما اینکه گفت از طرف دخترت، این به منزله اذن دخول است ،حالا ما نمی‌دانیم کجا دفن شده است؛ ما یک سلام داریم که به ائمه(علیهم السلام) عرض می‌کنیم، یک سلام هم وقتی می‌خواهیم وارد حرم بشویم عرض می‌کنیم آن سلام، اذن دخول است، سلامی که خود حضرت امیر نسبت به پیامبرکرد، عرض ادبی است که در حال عادی و زیارت می‌کرد اما سلامی که از طرف حضرت صدیقه طاهره به پیغمبر کرد گفتند این سلام اذن دخول است یعنی رسول من! این دخترت الآن می‌خواهد وارد حرم شما بشود، این حرمی که «روضه من ریاض الجنّه» است می‌خواهد به آنجا بیاید. عرض کرد یا رسول‌الله! دخترت «السریعه اللحاق بک» از همه ما زودتر به شما رسید، عرض کرد «قَلَّ یَا رَسُولَ‌اللهِ عَنْ صَفِیَّتِکَ صَبْرِی» می‌دانی من علی در جنگ‌ها آن همه تیغ‌ها و تیرها را تحمل کردم اما در برابر این مصیبت صبر من کم شده، نمی‌توانم صبر کنم «وَ رَقَّ عَنْهَا تَجَلُّدِی» من خیلی قدرتمندم اما این مرا به زانو در آورده «إِلَّا أَنَّ فِی التَّأَسِّی لِی بِعَظِیمِ فُرْقَتِکَ وَ فَادِحِ مُصِیبَتِکَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ» عرض کرد یا رسول‌الله! ما مصیبت سنگین‌تری را تحمل کردیم و آن رحلت شما بود این مصیبت به عظمت آن مصیبت نیست ولی خصیصه‌ای دارد که آن خصیصه را خود دخترتان به عرضتان می‌رساند، من عرض نمی‌کنم آن خصیصه آن حادثه تلخ را که دختر شما به من نگفت شاید به شما هم نگوید ولی شما از او بخواهید که بین در و دیوار چه گذشت، «فَلَقَدْ وَسَّدْتُکَ فِی مَلْحُودَةِ قَبْرِکَ وَ فَاضَتْ بَیْنَ نَحْرِی وَ صَدْرِی نَفْسُکَ» یا رسول‌الله! من مصیبت سنگینی را تحمل کردم، سر مطهّر شما روی سینه من بود که قبض روح شدید من اینها را تحمل کردم، بالأخره استقامت کردم اما الآن در این مصیبت طاقتم کم شده البته خواست خدا هر چه هست ما صابریم «إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَیهِ رَاجِعُونَ»[۱] این بشارت الهی است ما مأمور به صبریم، صبر می‌کنیم اما این جمله‌ها را هم عرض می‌کنم «فَلَقَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِیعَةُ وَ أُخِذَتِ الرَّهِینَه» این امانتی بود که به مرکز اصلی‌اش برگشت، این گرویی بود که ما به مرکز اصلی‌اش باید برمی‌گرداندیم و برگرداندیم.

***وقتی هارون از وجود مبارک امام کاظم(ع) سؤال می‌کند محدوده فدک چقدر است تا به شما برگردانیم؟فرمود اگر ما محدوده فدک را بگوئیم شما به ما برنمی‌گردانید گفت نه، شما محدوده فدک را بگوئید ما برمی‌گردانیم. حضرت محدوده جغرافیایی آن روز جهان اسلام را گفت که از طرف شمال به فلان منطقه، از طرف جنوب به فلان منطقه. هارون گفت دیگر چیزی برای ما نمی‌ماند.**

مرده‌ها؛ گروگان‌های قبرها

اینکه فرمود رهینه، آیا روح در رَهن بدن است که هنگام مرگ برگردانده می‌شود یا طبق تعبیری که از وجود مبارک امام سجاد رسیده است ابدان ما «رهائن القبور»[۲] هستند؟ مرده‌ها را می‌گویند «رهائن القبور» مثل اینکه قبر، طلبکار است و گرو را به عنوان طلبکار می‌گیرد تا در روز حشر ادا کند، از مرده‌ها تعبیر می‌کنند به «رهائن القبور» و کسی که می‌میرد رهینه قبر است که به قبر داده می‌شود، آیا بر اساس آن جهت است که «أُخِذَتِ الرَّهِینَه» گفته شد یا روح در گرو بدن است، از بدن آزاد می‌شود؟ به هر تقدیر طبق بیان نورانی امام سجاد(ع) که از اموات به عنوان «رهائن القبور» یاد نمودند این تعبیر انسب است «أُخِذَتِ الرَّهِینَه». بعد عرض کرد «أَمَّا حُزْنِی فَسَرْمَدٌ» من تا زنده‌ام محزون و غمگین هستم «وَ أَمَّا لَیْلِی فَمُسَهَّدٌ» خوابی در شب برای من نمانده است «إِلَی أَنْ یَخْتَارَ اللهُ لِی دَارَکَ الَّتِی أَنْتَ بِهَا مُقِیمٌ» مگر اینکه عمرم به سر آید در جوار رحمت شما بیارامم.

یا رسول‌الله! خواسته من این است من محرم‌ترین افراد نسبت به فاطمه(س) بودم او به من نگفت که به او چه گذشت، به شما هم نمی‌گوید. شما اگر بخواهید به طور عادی از او سؤال کنید او نمی‌گوید، او را سؤال‌پیچ کنید ، به شما گزارش می‌دهد که ظلمی که بر آن حضرت شد ظلم یک نفر و ده نفر نبود، همه جمع شدند به فاطمه(س) ظلم کردند، همه تصمیم گرفتند فاطمه را از بین ببرند، تنها اصحاب سقیفه نبودند که تبلیغات سوء کردند و عده‌ای را شوراندند و اجماع درست کردند. فرمود همه جمع شدند تا او را از بین ببرند این چه عظمتی بود؟ اگر یک بانوی عادی بود که اجتماع امّت نمی‌خواست.

***منظور امامان معصوم از فدک، باغ نیست منظور از فدک، امامت است و ولایت، اینها که برای باغ این همه تلاش و کوشش نکردند.**

محدوده جغرافیایی فدک

وقتی هارون از وجود مبارک امام کاظم(ع) سؤال می‌کند محدوده فدک چقدر است تا به شما برگردانیم؟فرمود اگر ما محدوده فدک را بگوئیم شما به ما برنمی‌گردانید گفت نه، شما محدوده فدک را بگویید ما برمی‌گردانیم. حضرت محدوده جغرافیایی آن روز جهان اسلام را گفت. گفت از طرف شمال به فلان منطقه، از طرف جنوب به فلان منطقه، چهار طرف را اشاره فرمود هارون گفت دیگر چیزی برای ما نمی‌ماند[۳] منظور این بزرگواران از فدک، باغ نیست منظور از فدک، امامت است و ولایت، آنها برای اینکه امامت و ولایت را بگیرند فدک را گرفتند که دست اهل بیت خالی بشود، اینها که برای باغ این همه تلاش و کوشش نکردند، یک بیان نورانی از حضرت امیر(ع) در نهج‌البلاغه هست که فرمود فدک در دست ما بود، عده‌ای طمع کردند ما هم سخاوتمندانه صرف‌نظر کردیم :«ما أصنع بفدک و غیر فدک»[۴] ما کاری به این باغ نداریم .

اینجا فرمود همه اجماع کردند برای خانه‌نشین کردن و از بین بردن صدیقه کبری«وَ سَتُنَبِّئُکَ ابْنَتُکَ بِتَضَافُرِ أُمَّتِکَ عَلَی هَضْمِهَا فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ»، احفاء یعنی سؤال‌پیچ کردن، فراوان سؤال کردن، مکرّر سؤال کردن، از همه جوانب سؤال کردن «فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ» با اصرار سوال کن، او را سوال پیچ کن تا کلّ جریان را به شما بگوید، وقتی گفت، بالأخره انسان سبک‌تر می‌شود و شما هم می‌دانید که امّت چه کار کردند ولی اینکه بازگو کند شفاف‌تر می‌شود فرمود: «هذَا وَ لَمْ یَطُلِ الْعَهْدُ» خیلی طول نکشید حالا یا ۷۵ روز یا ۹۵ روز «وَ لَمْ یَخْلُ مِنْکَ الذِّکْرُ»، هم قرآن که ذکر الهی است مطرح است هم آنچه شما با سنّت قطعی انجام دادید نزد مردم هست، هم آثار عترت هست، سنّت قطعی هست، هم آثار قرآن هست نه قرآن فراموش شده، نه سنّت قطعی شما.

حضرت موقع خداحافظی عرض می‌کند: رسول من! من اگر اینجا هستم نه برای آن است که به قضا و قدر الهی ـ معاذ الله ـ خوش‌بین نیستم، فرمان خدا برای ما حجّت بالغه است اما نشستن کنار قبر، حسابی دارد، اشک ریختن حسابی دارد، من اگر بمانم برای آن نیست که به قضای الهی راضی نیستم، عرض کرد «وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمَا» آن سلام اول، سلام عرض ادب بود (یک) و سلام اذن دخول بود برای صدیقه کبری(دو) اما الآن خودش به هر دو دارد سلام می‌کند سلام خداحافظی «وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمَا سَلَامَ مُوَدِّعٍ لَا قَالٍ وَ لَا سَئِمٍ» نه خسته شدم نه مخالفم، ولی نشستن کنار قبر، عرض ارادت به متوفا حدّی دارد «فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ» اگر من مرخص بشوم برای خستگی نیست من اگر بخواهم، اینجا می‌توانم بمانم «وَ إِنْ أُقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللهُ الصَّابِرِینَ» اگر بمانم این‌طور نیست که ـ معاذالله ـ من به دستورهای خدا درباره اجر صابران و وظیفه صابران سوء ظن داشته باشم یا عقیده نداشته باشم لکن صبر هم حسابی دارد،کنار قبر نشستن هم حسابی دارد و از طرفی هم مسائل تاریخی هم مطرح است که ما بنایمان بر این است که این قبر مجهول باشد، این قبر معلوم نباشد من اینجا بنشینم گریه بکنم که معلوم می‌شود قبر فاطمه کجاست، نشستن من و گریه کردن من ممکن است عده‌ای را آگاه بکند که قبر فاطمه کجاست، ائمه بعدی هم با اینکه قدرت داشتند تصریح نکردند که قبر فاطمه زهرا(س) کجاست، این سند مظلومیت عترت طاهره است که امیدواریم با ظهور صاحب اصلی‌مان وجود مبارک ولیّ‌عصر(ارواحنا فداه) برای همگان روشن بشود!

بیانات حضرت آیت‌الله جوادی آملی (دامت برکاته) در جلسه درس اخلاق در جمع طلاب و فضلای حوزهٔ علمیهٔ قم ۱۳۹۲ / ۱ / ۲۲

پایگاه اطلاع‌رسانی اسرا

[۱] . بقره، ۱۵۵
[۲] . صحیفهٔ سجادیهٔ، دعای ۳.
[۳] . بحارالانوار، ج۲۹، صص ۲۰۰ و ۲۰۱.
[۴] . نهج‌البلاغه، نامه ۴۵.

حالات معنوی فاطمه(س)

محمدمهدی رشادتی

حضرت زهرا(س) فرمود: شغلنی عن مسئلته لذه خدمته، لا حاجة لی غیر النظر الی وجهه الکریم.

پیامبر(ص) روزی از دخترش پرسید: فاطمه، چه درخواست و حاجتی داری؟ هم‌اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده است. هر چه بخواهی تحقق می‌پذیرد. زهرا(س) در پاسخ، جمله فوق را بیان فرمودند که ترجمه‌اش چنین است: لذتی که از خدمت حضرت حق می‌برم، مرا از هر درخواستی باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم. (فرهنگ سخنان فاطمه(س) ص ۹۱)

عبادت در شب زفاف

شب ازدواج و آغاز لحظه‌های شروع یک زندگی نوین برای هر زن و مردی شیرین و خاطره‌انگیز است.

خیلی‌ها این لحظه‌های شیرین را به انواع گناه می‌آلایند و فکر می‌کنند این کار مجاز است.

امام‌علی(ع) شب عروسی، فاطمه‌زهرا(س) را نگران و گریان دید. پرسید: چرا ناراحتی؟ فاطمه(س) پاسخ دادند: پیرامون حال و رفتار خویش فکر کردم. به یاد پایان عمر و قبر خود افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. پس تو را به خدا سوگند می‌دهم که بیا به نماز بایستیم و با هم در این شب خدا را عبادت کنیم. (همان ص ۴۰)

وقتی آیات عذاب بر رسول‌خدا(ص) نازل شد: (دوزخ میعادگاه همه آنهاست و دوزخ هفت در دارد و برای هر دری گروهی معین از آنها تقسیم شده‌اند) حضرت به شدت گریستند و یاران پیامبر(ص) نیز گریه کردند.

فاطمه(س) از گریه پدر آگاه شد. پرسید: ای پدر فدایت شوم چه چیزی تو را به گریه واداشته است؟ رسول خدا(ص) آیات نازل شده را بر فاطمه(س) خواند. زهرا(س) از خوف الهی بر زمین افتاد و فرمود: ای وای، ای وای بر کسی که داخل آتش جهنم می‌شود. الویل ثم الویل لمن دخل النار - (همان ص ۷۴)

پیامبراکرم(ص) در یکی از روزهای پر بار زندگی، در منزل زهرا(س) وضو گرفت. سپس پرسید: دخترم، در چه حالی هستی؟ فاطمه(س) فرمود: سوگند به خدا، حزن و اندوه من فزونی یافته و تهیدستی من فراوان است.

و تاسف من بیشتر برای این است که برای سفر طولانی آخرت، چه چیزی آماده کرده‌ام؟ (همان، ص ۷۵)

روایت شده: روزی رسول اکرم(ص) دخترش را نگران و اندوهگین یافت. پرسید: فاطمه جان، چرا ناراحت هستی؟ فرمود: ای پدر به یاد آوردم روز محشر و توقف مردم را در آن روز، در حالی که همه برهنه هستند. وای از زشتی‌ها در آن روز و در پیشگاه خدای بزرگ. (همان، ص ۲۲۰)

روزی پیامبر(ص) فرمود: دخترم، آیا دوست داری دعایی را به تو بیاموزم که هیچ‌کس آن را نخواند مگر اینکه خواسته‌هایش تحقق پذیرد؟ فاطمه(س) در پاسخ پدر فرمود: پدر جان چنین دعایی از دنیا و آنچه در آن است، نزد من محبوب‌تر است. (همان، ص ۱۳۳)

وصیت به علی (ع)

خانم فاطمه(س) در کلمات ارزشمند دیگری به امام علی(ع) وصیت کرد که: وقتی من وفات کردم، تو غسل و کفن مرا به عهده بگیر و بر من نماز بگذار و مرا درون قبر قرار بده. دفنم کن و سنگ قبر را بر روی قبرم بگذار و خاک بر آن بریز و آن را هماهنگ و منظم کن. آنگاه بالای سرم روبروی من بنشین و زیاد قرآن بخوان و دعا کن. زیرا در چنین لحظه‌هایی، میت به انس گرفتن با زندگان محتاج است. من تو را به خدا می‌سپارم و درباره فرزندانم سفارش به نیکوکاری دارم. (همان، ص ۲۵۲)

*** پیامبر(ص) روزی از دخترش پرسید: فاطمه، چه درخواست و حاجتی داری؟ هم‌اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده است. هر چه بخواهی تحقق می‌پذیرد. زهرا(س) در پاسخ فرمود: لذتی که از خدمت حضرت حق می‌برم، مرا از هر درخواستی باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.**

چراغ راه

الگوی رفتار خانوادگی

النبی(ص): «فسأل علیا: کیف وجدت اهلک؟ قال: نعم العون علی طاعه‌الله، وسأل فاطمه: فقالت: خیر بعل»

پیامبر اکرم(ص) یک روز از علی(ع) پرسید: همسرت را چگونه یافتی؟

امام علی(ع) پاسخ داد: چه خوب یار و یاوری است در اطاعت کردن از خدا، سپس از دخترش پرسید: شوهرت را چگونه یافتی؟

حضرت فاطمه(س) فرمود: بهترین شوهر است.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷

حکایت خوبان

مداوای مجروح جنگی

سال سوم هجرت بود، بین سپاه اسلام و سپاه کفر، در کنار کوه احد (نزدیک مدینه) جنگ بسیار سختی درگرفت که به جنگ احد معروف گردید. در این جنگ، هفتاد نفر از مسلمین به شهادت رسیدند و بسیاری مجروح گشتند.

یکی از مجروحا ن خود پیامبر اسلام(ص) بود دندان‌های جلوی پیامبر(ص) شکست و آن‌چنان به ایشان ضربه زدند که کلاهخود آهنین که بر سرش بود، خرد شد. بعد از جنگ وقتی پیامبر گرامی(ص) به مدینه بازگشت، فاطمه‌زهرا(س) به استقبال پدر رفت، آب حاضر کرد و خون سر و صورت پیامبر(ص) را می‌شست. امام علی(ع) با سپر خود آب می‌آورد و فاطمه(س) را در شستن خون بدن پیامبر(ص) کمک می‌کرد. فاطمه(س) هنگام شستن، دریافت که خون از بدن پیامبر(ص) قطع نمی‌شود، و هرچه آب می‌ریزد، جلوی ریزش خون را نمی‌گیرد، بلکه بر آن می‌افزاید، قطعه حصیری را آورد و آن را سوزاند، و خاکسترش را روی بریدگی‌های بدن پیامبر(ص) ریخت. آن‌گاه خون بند آمد.[1]

۱- مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۵۲۰

پرسش و پاسخ

علت مخفی بودن قبر فاطمه(س)

پرسش:

چرا حضرت زهرا(س) وصیت کردند که ایشان را شبانه غسل و کفن کرده و به خاک بسپارند تا قبر مطهرشان مخفی بماند؟

پاسخ:

فلسفه اصلی مخفی بودن قبر حضرت زهرا سلام‌الله علیها مربوط می‌شود به وقایع و جسارتهایی که در آن زمان به آن بزرگوار وارد شده بود، در این زمینه نقل شده است که حضرت زهرا(س) زمانی که وقت رحلتشان نزدیک شد و در بستر به حالت احتضار بسر می‌بردند، حضرت علی(ع) بر بالای بسترشان آمدند و بعد از صحبتهایی که با همدیگر کردند، حضرت فاطمه(س) اجازه خواستند تا چند وصیّت به همسرشان علی(ع) کنند.

از جملهٔ وصایای حضرت زهرا(س) به علی(ع) این بود که فرمودند: ای پسرعمو! اگر تا چند ساعت دیگر از دنیا رفتم جنازه‌ام را شبانه تشییع کن و مراسم تشییع مرا اعم از غسل و کفن و نماز خواندن و دفن کردن باید در محیطی مخفی و پنهان انجام دهید و فقط به کسانی اجازه در تشییع دهید که ظلم و جفا نسبت به من روا نداشته‌اند.

یقیناً حضرت زهرا(س) با این کارشان می‌خواستند بار دیگر همانند جریان فدک مبارزه جدیدی را با وصیّت‌نامهٔ سیاسی خویش شروع کنند که ضربهٔ سهمگینی به حکومت وقت وارد سازند. (خشاوی، شهین، زندگانی سیاسی حضرت زهرا(س)، ص ۲۸۰)

فاطمهٔ اطهر(س) با وصیّت خویش افکار خفتهٔ مردم مدینه را بیدار ساختند و توجه افکار عمومی را نسبت به پایمال کردن حقّ خویش جلب کردند (عاملی، سید جعفر مرتضی، رنج‌های زهرا(س)، ترجمهٔ محمد سپهری، ص ۲۲۳)

بدین طریق زمانی‌که حضرت زهرا(س) از دنیا رفتند مردم سراسیمه به خانهٔ حضرت زهرا(س) آمدند و منتظر بیرون آمدن جنازه بودند که علی(ع) به ابوذر فرمودند: برو و با صدای بلند اعلام کن که برگردند چرا که تشییع جنازهٔ دختر رسول‌خدا امشب صورت نمی‌گیرد و به تأخیر افتاده‌است. مردم که متفرق شدند حضرت علی(ع) با کمک اسماء بدن حضرت را غسل و کفن کردند و در نیمه شب با عده‌ای از نزدیکان و یاران خویش که عبارت بودند. از: سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، عباس و زبیر و چند تن دیگر به همراه علی(ع) جنازه دختر رسول‌خدا را شبانه تشییع کردند و شبانه به خاک سپردند و حضرت علی(ع) قبر حضرت فاطمه(س) را هم‌سطح زمین کردند و حتی روایت شده در چند نقطه در بقیع حضرت، قبر درست کردند تا دشمنان متوجه نشوند که قبر حضرت فاطمه(س) کدامیک است و این راز مخفی ماندن قبر فاطمه(س) برای همیشه مانده است و کسانی هم که حضور داشتند دیگر بعدها محل اختفای قبر فاطمه(س) را بیان نکردند. (بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۹۵)

دانشمند ارجمند مرحوم جعفر شهیدی می‌نویسد: ... به هر حال پنهان داشتن قبر دختر پیغمبر ناخشنود بودن او را از کسانی چند نشان می‌دهد و پیداست که او (فاطمه زهرا(س)) می‌خواسته است با این کار آن ناخشنودی را آشکار سازد. (جعفر شهیدی، زندگانی حضرت فاطمه، ص ۱۶۵)

بنابراین با توجه به مطالب مذکور، علت مخفی ماندن قبر آن حضرت را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

۱. اینکه، دشمنان و غاصبان حق آن مظلومه به قبر آن حضرت دسترسی نداشته باشند تا روزی در صدد نبش قبر آن حضرت برنیایند.

۲. اینکه، خود آن حضرت خواستند که شبانه و مخفیانه، دفن شوند که به تبع آن قبرشان مخفی بماند.

۳. با توجه به محتوای وصیت ایشان در مورد دفن آن حضرت؛ می‌توان گفت که می‌خواستند با این کار، افکار عمومی را بیدار کرده و مردم را نسبت به ظلم حکام زمانشان نسبت به ایشان و علی(ع)، آگاه سازند، و لذا، این سوال را که چرا قبر حضرت فاطمه(س) مخفی ماند را برای همیشه در اذهان مردم زنده نگه دارند.

بنابراین با توجه به مطالب مذکور علت غسل و دفن شبانه حضرت زهرا(س) نیز روشن می‌شود، آن حضرت تا آخرین لحظات عمر شریفشان دست از مبارزه برای احقاق حق و یاری امیرالمومنین(ع) بر نداشت و نارضایتی خود را از مردم بیعت شکن مدینه آشکار کرد چنان که حضرت در بستر بیماری از مردم شکایت نموده و فرمود: به خدا دنیای شما را دوست نمی دارم و از مردان شما بیزارم! درون و بیرونشان را آزمودم و از آنچه کردند ناخشنودم! ... نفرین بر این مکّاران... وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق (ولایت امام علی) در مرکز خود قرار یابد و خلافت بر پایه های نبوت استوار ماند؟ (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۶)

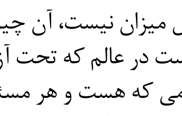

سلوک عارفانه

سالک الهی با میزان حق امتحان می‌شود

(بدان ای سالک راه حق!) صورت عمل میزان نیست، آن چیزی که میزان است انگیزه عمل است. مکلفی نیست در عالم که تحت آزمایش خدا و امتحان او نباشد. هر کس در هر مقامی که هست و هر مسئولیتی که دارد، همان مقام و مسئولیت امتحان اوست. در اسلام، معیار رضایت خداست و نه شخصیت‌ها، ما شخصیت‌ها را با حق می‌سنجیم و نه حق را با شخصیت‌ها، معیار حق و حقیقت است. ما معیارها را باید معیارهای الهی قرار بدهیم... همه بیدار باشید! همه‌تان در محضر خدا هستید. فردا همه باید حساب پس بدهید[1]

۱- صحیفه امام خمینی(ره)، ج ۱۳، ص ۴۶۰

صفحه معارف روزهای: یکشنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱